

به گزارش روابط عمومی دفتر امام جمعه لاریجان : ۳ شهریور ماه
سال ۱۴۰۲

برگزاری خطبه نماز جمعه در شهر رینه..

خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين أحمده و أشكره و
أستعينه و أستغفره و أتوكل عليه و أصلي و أسلم على حبيبه و نجيبه
و خيرته في خلقه حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته بشير رحمة و نذير
نقمته سيّدنا و نبينا و حبيب قلوبنا أبا القاسم المصطفى محمّد و على
آله الأطيبين الأطهرين و صحبه المنتخبين و من تبعهم باحسان الى
يوم الدين.

قَالَ اللَّهُ الْعَظِيمُ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ :

« قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. » بقره/ ۳۸

ترجمه:

" گفتیم: همه از بهشت فرود آیید تا آنگاه که از جانب من راهنمایی برای شما

آید آنان که پیروی او کنند هرگز بیمناک و آندوهگین نخواهند شد."

" أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ؛ فَإِنَّهَا خَيْرٌ مَا تَوَصَّى الْعِبَادُ بِهِ وَ

خَيْرٌ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ " خودم و همه بندگان خدا را به رعایت

تقوای الهی و نظم در امور سفارش می کنم که سفارشی والاتر از این

مهم در عالم هستی وجود ندارد. امام حسن مجتبی در ارزش تقوا

میفرماید: تقوا سرآغاز هر توبه ای و سر هر حکمتی و بزرگی هر عملی است و هر که از با تقوایان کامیاب گشته به وسیله تقوا کامیاب شده است. (تحف العقول ص ۲۳۲) پس بندگان خدا إتقوا الله! بر اساس آیات قرآن، اولاً انسان از استعداد های عظیم سرشاری برخوردار است که اگر این استعدادها هدایت شوند و انسان هم آنها را بپذیرد یقیناً در حد خودش به سعادت جامع دنیا و آخرت میرسد. وقتی حضرت آدم (ع) اولین موجود از نسل انسان آفریده شد خدا بحث مسکن را برایش مطرح کرد: وَ قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ بقره/۳۵ که به فرموده امام باقر(ع) این مسکن باغ بسیار آبادی در منطقه شامات و نزدیک دریای مدیترانه بود. بعد درباره او فرمود:

إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً. بقره/۳۰ وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا
بقره/۳۱ این متن قرآن است وقتی به امرِ الهی با این علم و عقلانیت
آدم (ع) را آفرید اراده فرمود که زندگی این موجود روی کره زمین
باشد. قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعاً فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى. بقره/۳۸ چون شما
را خلیفه و دارنده علم و عاقل خلق کردم رها نمیگذارم و همان ابتدا
هدایت من به سوی شما آمد ولی یقیناً خودت تنها با این ابزار نمیتوانی
به سعادت دنیا و آخرت برسی و فقیرِ هدایت و البته فقیر همه چیز
هستی! همین که تو را روی کره زمین فرستادم فقیرِ خاک، خورشید،
گردش زمین، گیاه و فقیرِ گوشتِ حلال هستی. همه وجودت فقیرند:
أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ... فاطر/۱۵ مخصوصاً فقیرِ هدایت که این فقر از

هر فقری شدیدتر است چون بدون هدایت، دوزخی میشدی! وسیله
هدایت انبیای الهی و ائمه طاهرین (علیهم السلام) و اولیای خاص
پروردگار و عالمان واجد شرایط هستند که یکی از آنها در قوم
حضرت یونس (ع) بود. خدا در قرآن تعداد جمعیت این قوم را بالای
صد هزار نفر بیان میفرماید. همگی داشتند به جهنم میرفتند که همین
یک عالم در قوم حضرت یونس (ع) این صد هزار نفر را از رفتن به
سوی دوزخ نجات داد. انسان باید هدایت را بپذیرد تا درهای سعادت
دنیا و آخرت به رویش باز شود. انتقال این هدایت به انسان که در
قرآن مطرح شده فقط کار دارندگان نفس الهی است. اگر مردم خود
را در معرض این نفس الهی و ملکوتی قرار دهند از هر نوع بت

پرستی نجات پیدا میکنند. وقتی انسان به دنیا می آید بین دو بی نهایت بزرگ و کوچک قرار دارد: اگر هدایت الهی را با کمال آزادی، اختیار و فکر قبول کرد و فریب شکم، شهوت، درهم، دینار، صندلی و شهرت و لذتهای حیوانی را نخورد بحث تمام است. اما اگر فریب شکم یا فریب خوش گذرانی ها را خوردند: الَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَ يَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ. محمد/۱۴ « يتمتعون » یعنی فریب مال، لذتها و شکم را خوردند فکر کردند معنی زندگی همین است: لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا زَخْرَفَ/۳۵ اگر در دنیا خوب دقت کنید: مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ آل عمران/۱۸۵ این پولها، مواد، زمینها، پاساژها و درآمدهایی که اکثر شرعی نیست فریب دهنده هستند. اگر فریب اینها

را نخوردند و هدایت را قبول کردند درهای سعادت دنیا و آخرت به
روی شان باز میشود اما اگر فریب خوردند و در این مسائل غرق
شدند حالشان طوری میشود که هدایت را اختیاراً قبول نمی کنند یعنی
به انبیاء، اولیاء، ائمه طاهرین (علیهم السلام) و عالمان واجد شرایط
میگویند: مزاحم ما نباشید ما هدایت شما را نمی خواهیم! اولاً به
قلبشان قفلی میخورد: وَ قَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ. بقره/۸۸ دل آنان در سپر و
غلافی می رود که نمیگذارد هدایت الهی به آن برسد و چند روزی
همین لذتهای مادی را می خورند، می سازند بالا می برند و بعد هم
همه را میگذارند و میروند. بدنشان را هم دیگران بر میدارند داخل
چاله می اندازند و بر میگردند هیچ مالی هم با خودشان نمی برند.

قرآن مجید درباره ثروتمندی مثل قارون میفرماید: فَخَسَفْنَا بِهِ وَ بَدَارِهِ.

قصص/۸۱ دلش به این ثروت خیلی خوش بود اما حتی نگذاشتم بعد

از مُردنِ او ثروتش برای دیگران بماند خودش و ثروتش را جلوی

چشم همه در اعماق زمین فرو بُردم و حتی اجازه اینکه یک ریالش

برای بعدی ها بماند ندادم! مدتهاست که دارد به عُق چاه های جهنم

می رود چون جهنم دری هم در برزخ دارد! اگر در قرآن دیده باشید

می فرماید: النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ

أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ. غافر/۴۶ دارد می رود نمی ایستد بر

نمیگردد. این منوط به آن است که انسان در اسارت این مسائل نباشد

انبیای الهی (علیهم السلام) مردم را اول از اسارتِ بُتها، شکم، پول

و لذتها در آوردند تا هدایت انبیا (علیهم السلام) را پذیرفتند. این پذیرفتن و نپذیرفتن خیلی عجیب است! پذیرفتن برای وقتی است که شخص از این موانع آزاد شود و نپذیرفتن برای وقتی است که گرفتار این موانع باشد چرا که تا گرفتار است علاج نمیشود. من گوشه ای از خطبه « نهج البلاغه » که راویش امیرالمؤمنین (ع) است و حادثه در مکه اتفاق افتاد را در این زمینه عرض کنم. امام (ع) می فرمایند: قوم و خویش ما عموها، دایی ها، پسر عموها، خاله، عمه و دامادها؛ دسته جمعی خدمت رسول خدا (ص) آمدند رو به روی پیغمبر (ص) نشستند و گفتند: آمده ایم دین تو را قبول کنیم. این جمع همانهایی بودند که انواع زمینه های ظلم به حضرت را فراهم کرده بودند.

پیغمبر (ص) فرمود: اسلام را آزادانه، با عقل، فکر، اندیشه و در آمدن از اسارتها قبول کنید. گفتند: قبول کردن ما شرط دارد. حضرت فرمود: شرطش چیست؟ امیر المؤمنین (ع) می فرماید: درخت خرمایی آنجا بود به پیغمبر (ص) گفتند: به این درخت بگو از جایش حرکت کند و کنارت بیاید! پیغمبر (ص) بی اجازه پروردگار کاری نمیکرد. نه اینکه بگوید: من شخصیت اول جهان هستم چه نیازی دارد برای هر کاری از خدا اجازه بگیرم؟! اهل توحید از خودشان منیتی نمی بینند! لذا واقعاً عبدالله و منتظر دستور پروردگار هستند. امیر المؤمنین (ع) در « نهج البلاغه » می فرماید: « مَن أَبَدَى صَفَحَتَهُ لِلْحَقِّ هَلَكَ » بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۳. هر کس جبهه

بگیرد و سینه سپر کند و در برابر خدا لات بازی در بیاورد که ما هم هستیم نابود میشود. خداوند فرمود: بگو درخت بیاید من آن را می آورم. فرمود: درخت! جلو بیا. امیر المؤمنین (ع) میفرماید: زمین سخت شهر مکه که زیرش کوه است شکاف برداشت و درخت طوری کنار پیغمبر (ص) آمد که من برگها و شاخه هایش را روی سرم حس میکردم یعنی زیر درخت قرار گرفتم. پیغمبر (ص) به آنها فرمود: این هم درخت. گفتند: حالا بگو دقیقاً از وسط نصف شود. باز پروردگار به او اجازه داد به درخت امر کرد از نوک درخت تا ریشه کاملاً نصف شد. گفتند: حال بگو دوباره به هم بچسبد و مثل اولش شود. چسبید. گفتند: اکنون بگو سر جایش بر گردد. این قضیه در

اواخر خطبه قاصعه است. درخت رفت سر جایش ایستاد. فرمود: هر

چه راجع به این درخت خواستید انجام گرفت. امیرالمؤمنین (ع)

میفرماید: کُلُّ آنها از جا بلند شدند و با دیدن این معجزه گفتند: در این

عالم جادوگری مثل تو تاکنون نیامده است! این مانع است. یعنی وقتی

برابرِ عَقلِ پرده شکم، شهوت جنسی و غیر جنسی، دلار، صندلی

و... باشند امکان ندارد هدایت انبیا (علیهم السلام) را قبول کنم. اما

هدایت همان روز اول آمد: قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي

هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ. بقره/ ۳۸ این

هدایت از زمان پدرمان حضرت آدم (ع) جریان پیدا کرده و تا روز

قیامت هم جریان دارد و این چراغ خاموش شدنی نیست گر چه

مشتري آن كم است اما اصلش موجود است. يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. صفّ ۸/ اگر آمريكا، اروپا، بودايی ها، زرتشتی ها، مسیحی ها، لاییک ها تمام نیروهای شان را بیاورند پروردگار میگوید كُلَّ آنها در مقابلِ چراغ هدایتِ من مانند قُوتِ دهان هستند و این چراغ با قوتِ دهان خاموش نمیشود! اینها شعور ندارند و تجربه هم نمیکنند كه أَقْلًا همگی بنشینند مقداری تاریخ بخوانند كه از زمان قابیل تصمیم گرفته شد این چراغ را خاموش كنند اما تاكنون خاموش نشده است! قرآن میفرماید: إِلَّا أَنْ يُتِمَّ.. من دائم این نور را كامل، گسترده و جامعش میکنم و هرگز خاموش نمیشود. بیچاره آنهایی كه از این نور خود را محروم كنند!

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنهائي که هدایت را قبول کردند و
به حقیقت مؤمن هستند أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّیَّةِ از تمام جنبندگان عَالَم
هستی بهترند که أَلَبْتَهُ طَبَقِ رَوایات ما و أَهْلِ سَنَتِ، مصداق اَتَمِّ و
أَكْمَلِ این آیه و خیر البریّه امیرالمؤمنینه که بی نهایت بزرگ است.
یک جوان ۱۸ ساله، نوجوان ۱۳ ساله مثل علی اکبر، قاسم و
أَصْحَابِ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) بی نهایت بزرگ هستند. چه کسی میتواند
آنها را ارزیابی کند؟ جَلْوَةُ تَامَ بی نهایت بزرگ و بی نهایت کوچک،
همان ۳۰ هزار نفر در کربلا و ۷۲ نفرند! ۳۰ هزار نفر بی نهایت
کوچک و پست بودند که نمیشود کوچک بودنشان را ارزیابی کرد و
۷۲ نفر بی نهایت بزرگ بودند که نمیشود بزرگیشان را ارزیابی کرد.

خطبه دوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الحمد لله رب العالمين و العاقبة لاهل التقوى و
اليقين والصلوة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين حبيب إله
العالمين أبى القاسم محمد، صلى الله عليه و آله و سلم وعلى آله
الأطيبين الأطهرين المنتجبين. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
وَصِيٍّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ آيَتِكَ الْكُبْرَى وَ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ وَ صَلِّ عَلَى
الصَّادِقِ الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى سِبْطِي
الرَّحْمَةِ وَ إِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيَّ بَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ صَلِّ
عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ

وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْخَلْفِ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ حُجَّجَكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ
أَمَنَّاكَ فِي بِلَادِكَ.

دعای فرج..

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيْزًا. اَللّٰهُمَّ اَظْهَرْ بِهٖ دِيْنَكَ وَ
سُنَّةَ رَسُوْلِكَ حَتّٰى لَا يَسْتَخْفِيْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَةً اَحَدٍ مِّنَ الْخَلْقِ..

اوصيكم يا عبادالله و نفسي بتقوي الله و اخوفكم من عقابه.

با درود و سلام بي پايان به روح مطهر سالار شهيدان حضرت
أبا عبدالله الحسين (ع) و نيز معمار كبير انقلاب إسلامی ایران و دو
فرزند گرانقدرش ، جميع مؤمنين و مؤمنات ، علما ، صلحا ، شهدای
انقلاب، شهيدان ۸ سال دفاع مقدس، شهدای گمنام ، شهدای مدافع

حرم و وطن و سلامت و علی الخصوص بیش از ۳۵۷ شهید خونین
بال بخش لاریجان و با آرزوی طول عمر با عزت همراه با صحت و
سلامتی برای مقام معظم رهبری در این خطبه دوم خودم و همه شما
عزیزان را توصیه میکنم به تقوای الهی و دوری از محرمات.

نکات این هفته نماز جمعه ۳ شهریور ماه سال ۱۴۰۲ را بمحضر شما
نمازگزاران عزیز جمعه لاریجان عرضه میدارم.

نکته اول:

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در فقره ای درباره حکمت الهی
نماز جمعه فرمود: « خدای متعال روز جمعه را محل اجتماع
مسلمانان قرار داده و مردم را به سوی آن دعوت کرده است تا

آلودگیهایی را که در طول هفته پدید آمده و آنچه را داد و ستدها و کسبهای نامناسب به وجود آورده است پاک گرداند و تذکری برای مؤمنان باشد که بدانند تقوا پیشگان از چگونه خشیتی برخوردارند و خداوند اعمال خیر اهل طاعت خویش را در روز جمعه چندین برابر روزهای دیگر پاداش میدهد. إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۲ با توجه به شیوه إقامه نماز جمعه که به دو صورت خطبه خوانی و نماز خوانی است و دو خطبه نخست، در واقع همان دو رکعت اول نماز قلمداد میشود میتوان فهمید که کارکردی که أمير المؤمنين علیه السلام برای نماز جمعه تبیین فرمودند با این شیوه دو بخشی (خطبه خوانی و نماز خوانی) تحقق می یابد بنابراین خطبه مهم است. إمام رضا علیه

السلام فرمود: إِنَّ الْجُمُعَةَ مَشْهُدٌ عَامٌّ نَمَازِ جَمْعِهِ هَمَائِشِي فَرَاغِيرِ اسْتِ
و خداوند خواسته تا امام جمعه با بیان خطبه راهی برای موعظه
مردم، تشویقشان به إطاعت خدا و ترساندنشان از نافرمانی الهی
داشته باشد بتواند مردم را به مصلحت دین و دنیایشان آگاه نماید آنان
را از اوضاع زمانه و کارهایی که مایه زیان و سود آنان است با خبر
سازد. خطبه اول، برای ثناگویی و ستایش و تقدیس خدای عزوجل و
بیان معارف است و خطبه دوم برای بیان نیازها اِتمام حجّت و هشدار
دادن و دعا کردن و امر و نهی کردن از آنچه مایه مصلحت و تباهی
است و او قصد دارد آنها را آموزش دهد.

نکته دوم:

پیشاپیش هشتم شهریور سالروز شهادت دو اُسوه خدمتِ بی منت و مجاهدانِ در راهِ حق شهیدانِ رجایی و باهنر که به هفته دولت و نیز روز مبارزه با تروریسم نامگذاری شده است را گرامی میداریم و این هفته را به همه دولتمردانِ واقعی خدمت بمردم تبریک عرض مینمایم. امروز تجدید عهد کردن با آرمانهای امام (ره) و شهدای دولت و همه شهیدانِ آنستکه با سرعت بخشی در توسعه زیر ساختها، سطح رضایتمندی عمومی مردم را بالا ببرید. خواستِ دولت بر پیش رفتن کارها استوار است اما اگر جایی کاری پیش نمی‌رود بخاطر حضور یک مسئولی است که شایستگی آن مسئولیت را ندارد و کار دولت را خراب می‌کند. خواهش ما از دولت این است: مدیران

شایسته و لایقی که با نظام، رهبری، ارزشهای دینی و گرفتاری های مردم سر و کار دارند در مسئولیتها قرار گیرند تا به مردم خدمت کنند. البته خدمات دولت مردان را می ستاییم اما در عین حال این مطالبه وجود دارد که باید بیشتر به وضع معیشت مردم رسیدگی شود و مسئولین محترم، گرانی و تورم و سختیهای زندگی را در نظر بگیرند.

نکته سوم:

وزیر جنگ اسرائیل اخیراً ادعا کرده بود اسرائیل میتواند لبنان را به عصر حجر بازگرداند. سید حسن نصرالله در سخنان خود در واکنش به تهدیدهای وزیر جنگ رژیم صهیونیستی گفت شاید بتوانید لبنان را

به عصر حجر باز گردانید اما اسرائیل هم به عصر حجر باز می‌گردد و دیگر خبری از مقرهای نظامی، پایگاههای هوایی، نیروگاههای برق، پالایشگاههای نفت و بنزین و آمونیاک و همچنین نیروگاه دیمونا نخواهد بود. در واقع اگر جنگی بین رژیم صهیونیستی با حزب الله لبنان شروع شود بدون شک رژیم صهیونیستی شکستی بزرگتر از شکست در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) را تجربه خواهد کرد.

نکته چهارم:

اعضای محترم شورای اسلامی شهر رینه باید به مطالبات مردم پاسخگو باشد که چرا شهر کوچکی مثل رینه ۹ ماه در انتخاب

شهردار تعلل بورزند؟ معنی ندارد بخاطر یک نفر کارهای شهر عقب
بیفتد. شما اعضای محترم شورای شهر وفاداری و عرض ارادت
خودتان را به شخص محترم و مورد نظرتان ثابت کردید اما از این
بعد مردم را سرکار نگذارید و آنها در زمینه خدمات شهردار منتخب
علاف نشوند رینه مردمان بسیار خوبی دارد و حق اینها در زمینه
خدمت بیش از این حرفهاست البته شما مردم هم باید مطالبه گر باشید.